

überlegen, لغت روز Wort des Tages überdenken , nachdenken

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 19, 2017

überlegen

بر روی چیزی قرار دادن ، بچه را از پشت روی زانو خواباندن و او را تنبیه کردن

نکته : معانی بالا برای فعل überlegen در زمانی است که این فعل یک فعل انعکاسی یا Reflexiv نیست ، اما چنانچه در نقش یک فعل انعکاسی باشد آنگاه به معانی زیر است :

اندیشیدن ، تأمل کردن ، تفکر کردن ، تعمق کردن

که هدف ما در این درس آشنا شدن با این فعل در حالت انعکاسی آن است.

گذشته ساده : überlegten

گذشته کامل : haben überlegt

Das muß ich mir noch überlegen

در آن مورد باید همچنان تفکر کنم

Sie sagte: „Das möchte ich mir nochmal überlegen, bevor ich entscheide

او گفت : در آن مورد می بایستی من دوباره بیاندیشم ، قبل از اینکه تصمیم بگیرم.

Überdenken

تجدید نظرکردن ، اندیشه و تعمق کردن ، یکبار دیگر روی موضوعی فکر کردن

گذشته ساده : überdachten

گذشته کامل : haben überdacht

Die Sache muß ich noch überdenken

برای آن قضیه باید یکبار دیگر نیز فکر کنم

nachdenken

تفکر کردن ، اندیشه کردن ، قصد کردن ، تدبیر کردن

nachdachten : گذشته ساده

haben nachgedacht : گذشته کامل

Lass mich nachdenken

اجازه بده من فکر کنم!

یا اینکه ، اجازه بده به جهت آن موضوع فکر کنم

Über unser gestriges Gespräch habe ich nachgedacht

من در مورد صحبت دیروزی مان فکر کردم

توضیحات گرامری :

توجه داشته باشید که پیشوند über به افعال ما این سیگنال را میدهد که دوباره به روی آن فکر یا تفکر کنیم ، مثلاً اگر فعل denken به معنی فکر کردن یا اندیشیدن است ، آنگاه پیشوند über که به آن اضافه شود سیگنالی اینگونه به همراه دارد ، که ما یکبار دیگر به روی آن تفکر کنیم. و اما پیشوند nach که به denken اضافه شد آنگاه این سیگنال را به همراه دارد که به جهت اون موضوع فکر کردن ، یا تفکر و اندیشه را به سمت موضوعی بردن.

نکته : nachdenken می تواند به همراه حرف اضافه über نیز بیاید که über یک حرف اضافه Akkusativ ساز می باشد. برای مثال :

Sie dachte über die Zukunft nach

او در مورد آینده تفکر میکرد.

به طوری که تفکر و اندیشه اش در راستای تدبیری برای آینده بوده است. یا به جهت این بوده است که در مورد آینده تدبیری پیدا کند.

چند مثال دیگر :

Ein überlegener Geist

یک چهره متفکرانه ، یک چهره اندیشمندانه

Er überlegte eine Zeitlang, wie er aus dem Schlamassel herauskommen sollte

او مدت ها به این می اندیشید ، که چگونه از آن اوضاع بهم ریخته خلاص شود (بیرون بیاید)

Er wollte den Fall noch einmal überdenken

او می خواست آن اتفاق را یکبار دیگر مرور کند

Er setzte sich hin und überdachte seine Entscheidung

خودش را آنجا نشانند و به تصمیم اش یکبار دیگر می اندیشید

Über ein Problem nachdenken

در مورد یک مشکل تفکر کردن

یکبار دیگر توجه داشته باشیم که nachdenken می تواند به همراه حرف اضافه über در جملات ما بیاید ، همانطور که ما در تفکر فارسی در مورد موضوعی یا چیزی تفکر میکنیم و فکر و حواسمان را به سمت یا جهت آن موضوع میبریم در تفکر آلمانی نیز اینگونه است ما über چیزی nachdenken میکنیم.

بنابراین nach که پیشوند فعل denken است ، این سیگنال را به همراه دارد که ما فکر و حواسمان را به جهت یا به سمت آن موضوع ببریم و حالا که اینکار را کردیم سپس über آن یا در مورد آن بیاندیشیم

Ich habe lange darüber nachgedacht

من در مورد آن مدت ها می اندیشیدم.